

#### (مقاله ای کوتاه در مورد شاهنشاهی هخامنشیان)

(به کوشش تیم ایران دوست A.N)



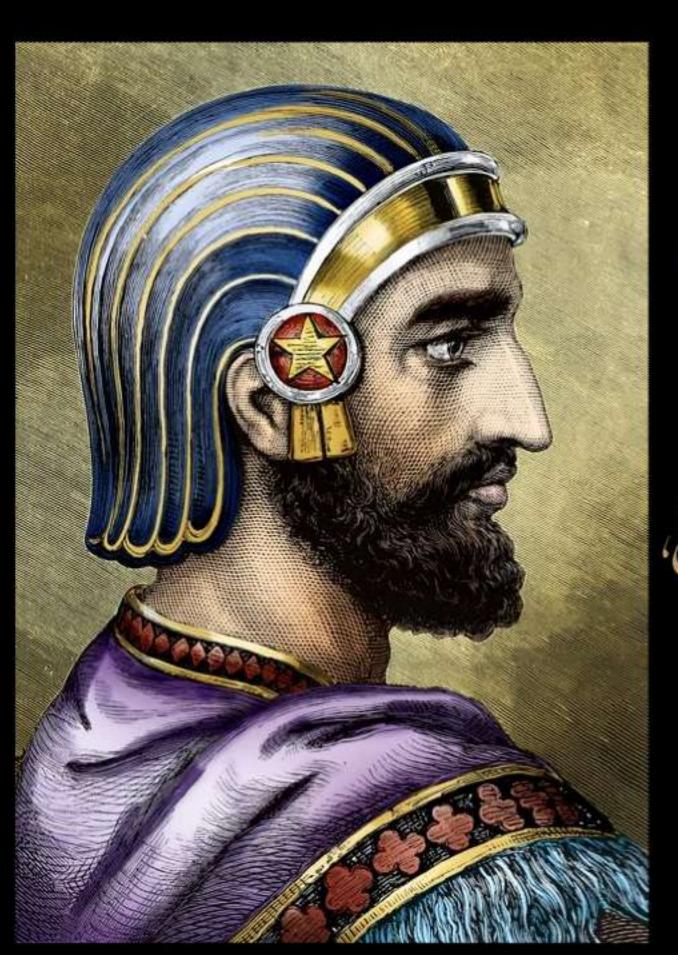
اگرمی خواهی بدانی ایران چگونه از دل خاک و خون،
سر برکشید و نخستین شاهنشاهی جهان رابنیان نهاد،
اگر دل در گرو آزادگی، داد، و شیکوه مردانی چون کوروش،
داریوش و خشایارشا داری، این مقاله، چراغیست درتاریکی
تاریخ؛ روایتیست استوار، نه از افسانه، که ازسنگ نوشته و سند؛
سفریست ازمنشور آزادی کوروش تا آتشی که آتن را بلعید

به نام خداوند جان خرد کزین برتر اندیشه برنکدرد



## بخامشان:

د آغازه ی فر و فروغ ایران زمین، تبار ثالمذای برخاست برام بخانشیان، (۲۵۸۴ مال پیش) بهان نیای تاج داران پارسی. این دودمان پاکنهاد، از کوهر آریایی، و با درفش کاویانی و دلیرانی چون کوروش بزرگ، این ثابنشایی را بنیاد نهادند. نختین ثابنشایی جمان را بپنای از سند تا نیل، از تختین ثابنشایی جمان را بپنای از سند تا نیل، از تختین ثابنشایی بارس تا کوبساران سغد.



کوروش بزرک:
او کوروش بزرک، شهریار فره مند پارسی، نخسین آموزگار آزادگی در کیتی بود.
او بنیادگذار شابشایی هخانشیان بود؛ با تیغ، مرز کا کثود، کیک با داد، دل از را فرمانروایی کرد.
فرمانروایی کرد.

در روزگاری که بندگی و زنجیر رسم بود، کوروش، بند بردگی را کست؛

فرمان داد که بیچ مرد و زنی برده نباشه و این، تختین بانک آزادی در تاریخ جهان بود.

او در خور آزادگان (خور کوروش)، از آزادی کیش، زبان، و زیست گفت؛ از آن

که بیچ کس را به زور دین توان آموخت، و مردمان هر دیاری، آمین خویش را محاه دارند.

کوروش، فرمازوایی بود که دین را از سیاست جدا ساخت؛ نه موبه نه کابن، نه پرسمگاه،

فرمازوا نبود این شاه بود که با داد و بینش، کثور را می کرداند، بی آن که باور کسی را دکرکون کند.

او نه تنها کثور ساخت، که اندیشه ساخت. اندیشه ی آزاد بودن، اندیشه ی برابری، اندیشه ی را بری، اندیشه ی زنجیره ایران، با کوروش، سرای آزادگان شد.

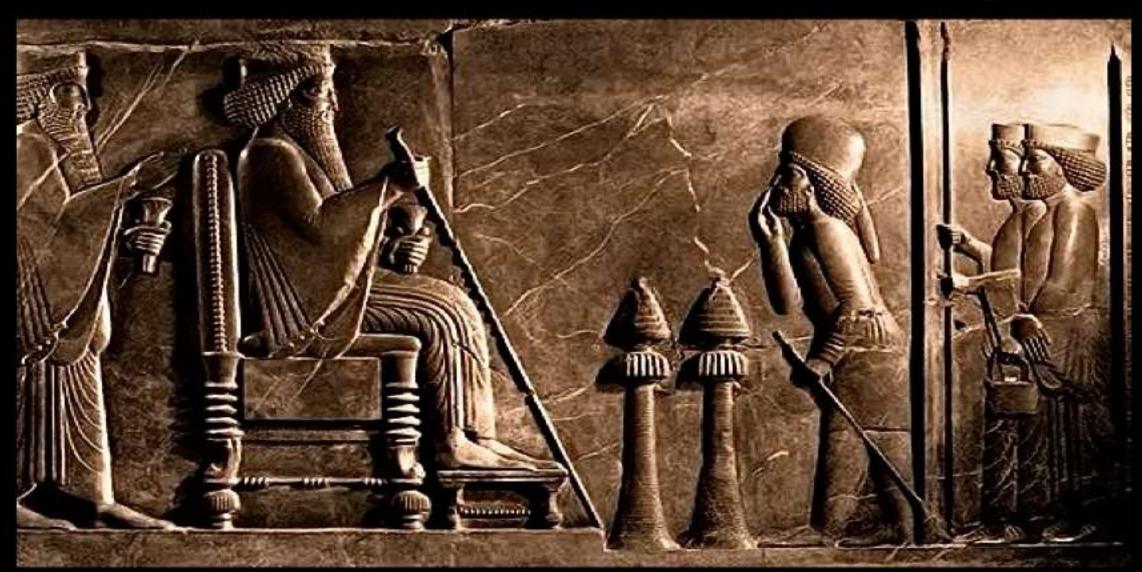
## داربوش نزرك:



داریوش بزرک، آن شیر مرد فرزانه یا به میدان نهاد؛ شای که با فره ایزدی، شاشایی را از آثوب به مامان رماند و پایهای داد و دیوان را اسوار ماخت. داریوش، نه تنها جناور بود، که مازنده ی ایران نوین؛ راه شای را کشد از دل کوه و کویر تا کناره ی دریا، تحتین طارخانه را بدید آورد تا پیام با حون باد در کثور بکردند. با نقشکشی، ازازه کسری و دادگری، مرزهی ایران را نکه داشت و دیوانسالاری را جنان سامان داد که هر کوشه از کثور، با زمان و آمین خویش، آزادانه می زیست. د تخت جمید تکین تکی ایران، شکوه مردمانی را تکاشت که با بم، نه بر بم، می زیستند. از بند تا مصر، از بلخ تا بابل، آواز دادکتری داریوش، بلند بود.

«نه به خواست مدن، نه به خواست خاک، بلکه به خواست ابورامزدا، ایران چنین نزرک شد.» داریوش، بنیان کذار ایران خرد، سازمندی و شکوه بود. یادش، در جان هر ایرانی، چون نک بی زوال تخت جمنیه جاودانه ست

### خثامار شاه جهان کشا:



شاه برسکوه، آن کردون کرد دیامای جمان کثا، ختابار شا فرزند داربوش نررک، نواده ی کوروش، فرمانروای جهان، سایه کشر خورشد بر ساه ایران! در روزگاری که کتاخان یونانی، در سارد ( ترکیه امروزی) آتش افکندند و خون بارسی را ریحنند، خثایار بزرک، موکند خورد که آتن، آن زادگاه تورش و ناماسی، در آتش حتم ایران بسوزد.و چنین شد که ساه حاودانهی ایران، حون موجی بی کرانه از شوش و پارس و ماد و پارت و بلخ و بند، به فرمان او برخاسند؛ ہفت کثور، یک دفش؛یک دل، یک خواست: انتقام!ما دست توانای او، پل بر دیا زدند نه از چوب، که از خواست شالمنه؛ و ساه ایران، از دل دیا کذشت، همان کونه که آذر از بمنرم، و خثامار، بمحون کوه، بر آن سوی دیا فرود آمد. و آمکاه بود که آن، به آتش کثیده شده و خاکش، طعم داغ داد ایران را چند.نه برای غارت، که برای پایداشت خون پارسی.نه از خوی توحش، بل از رسم داد و کیفر.ختایار بزرک، آن شهریار دیاه و کوستان ه، آن که آواز گام پایش، خواب از چشم دشمن می ربود، آشکار ساخت که هر کسآخی را فرجامی ست و نام ایران، توخی بردار نیست! جاوید بادیادش، آن كه آش مارد را، با آش آن ياسخ كفت.

فره ایران، در تیغ و درفش او می درخشد.

# منابع

کتابهای پژوهشی درباره هخامنشیان

- 1. From Cyrus to Alexander Pierre Briant
- 2. The Heritage of Persia Richard N. Frye
- 3. A History of Zoroastrianism Mary Boyce
- 4. The Persian Empire: A Corpus of Sources from the Achaemenid Period Amélie Kuhrt
- 5. The World of Achaemenid Persia John Curtis & St John Simpson (eds.)

. كوروش كبير - شاپور شهبازى

روزگاران - عبدالحسین زرینکوب

تاریخ ایران باستان – حسن پیرنیا (مشیرالدوله) ایران در زمان هخامنشیان – دکتر پرویز رجبی

تواریخ (The Histories) – هرودوت